

## Contemporary Islamic law Debate

# Analysis of the Crime of Moharebeh (Enmity Against God) in the Armed Forces in Light of the Developments of the Islamic Penal Code

Ali Sadeghi<sup>1</sup>, Ramazanali Khajavand Salehi<sup>2</sup>

1. 1 Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Literature and Humanities, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author) — a.sadeghi@urd.ac.ir
2. 2 PhD Student in Criminal Law and Criminology, Institute of Islamic Sciences and Education, Qom, Iran — ramezan.alisalehi@gmail.com

### Abstract

Crimes against internal and external security are among the most serious ḥadd (fixed-punishment) offenses in Iran’s criminal justice system. Within this category, Moharebeh (waging war against God), efsād fi al-ard (spreading corruption on earth), and baghy (rebellion) hold a special place because they’re rooted in Islamic criminal jurisprudence and carry severe penalties. The 1991 Islamic Penal Code remained silent on baghy and instead criminalized Moharebeh and efsād fi al-ard in a combined manner. This same approach was carried over into the 2003 Penal Code for Armed Forces Crimes, where certain offenses committed by military personnel were labeled as “deemed equivalent to” Moharebeh. However, the 2013 Islamic Penal Code introduced fundamental changes in legislative criminal policy by conceptually and substantively separating Moharebeh from efsād fi al-ard, adopting different jurisprudential and interpretive foundations.

The main question this research tries to answer is this: what exactly is the legal status

---

**Cite this article:** Sadeghi, Ali, Khajavand Salehi, Ramazanali V. (2025). Analysis of the Crime of Moharebeh (Enmity Against God) in the Armed Forces in Light of the Developments of the Islamic Penal Code. *Contemporary Islamic Law Debate*, 3(5), p. 297-318. <https://doi.org/10.22034/cild.2026.23088.1190>

**Received:** 2025/01/29

**Revised:** 2025/04/30

**Accepted:** 2025/07/31

**Available online:** 2025/09/22

**Type of article:** Research Article

**Publisher:** Al-Mustafa International Community

<http://meh.journals.miu.ac.ir/>

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



of those military offenses that used to be called “deemed equivalent to Moharebeh” in light of the 2013 Islamic Penal Code reforms? And how should military courts handle these cases—both in terms of procedure and sentencing? The study uses a descriptive-analytical method and draws on reliable jurisprudential sources, legal scholarship, and statutory laws. What the findings show is that continuing to apply the provisions of the 2003 Armed Forces Crimes Code without proper revision leads to legislative conflict, confusion in interpreting criminal offenses, and inconsistency in the judicial practice of military courts. The paper’s contribution is to offer interpretative and legislative solutions so that the rules governing military offenses can be brought into line with the latest will of the legislature and the core principles of criminal law.

**Keywords:** Moharebeh (enmity against God), Efsād fi al-ard (spreading corruption on earth), Baghy (rebellion), Armed forces crimes, Legislative criminal policy

## واکاوی و تحلیل جرم محاربه در نیروهای مسلح در پرتو تحولات قانون مجازات اسلامی

علی صادقی<sup>۱</sup>، رمضانعلی خواجهوند صالحی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

a.sadeghi@urd.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، مؤسسه علوم و معارف، قم، ایران (ramezan.alisalehi@gmail.com)

### چکیده

جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی در نظام حقوق کیفری ایران از زمره مهم ترین جرائم حدی محسوب می شوند که در این میان، محاربه، افساد فی الارض و بغی به دلیل ابتنابر مبنای فقه جزایی و آثار شدید کیفری، جایگاه ویژه ای دارند. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با سکوت نسبت به عنوان بغی، محاربه و افساد فی الارض را به صورت تلفیقی جرم انگاری نمود و این رویکرد در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نیز تسری یافته و برخی جرائم نظامیان تحت عنوان یا در حکم محاربه پیش بینی شده است. با این وجود، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تفکیک مفهومی و ماهوی عناوین محاربه و افساد فی الارض و با اتخاذ مبانی فقهی و تفسیری متفاوت، تحولات بنیادینی در سیاست کیفری تقنینی ایجاد کرده است.

استناد به این مقاله: صادقی، علی، خواجهوند صالحی، رمضانعلی (۱۴۰۴)، واکاوی و تحلیل جرم محاربه در نیروهای مسلح در پرتو تحولات قانون مجازات اسلامی. گفتمان حقوق اسلامی معاصر، ۲(۳)، ص ۲۱۸-۲۹۷.

<https://doi.org/10.22034/cild.2026.23088.1190>

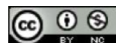
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

<http://meh.journals.miu.ac.ir/>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه

© ۱۴۰۴ / نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند



مسئله اساسی پژوهش حاضر، تبیین وضعیت حقوقی جرائم نظامیان موسوم به «در حکم محاربه» در پرتو تحولات تقنینی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تعیین نحوه رسیدگی و صدور حکم در محاکم نظامی است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع معتبر فقهی، حقوقی و قوانین موضوعه انجام شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که استمرار اجرای مقررات قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح بدون بازنگری متناسب، موجب تعارض تقنینی، ابهام در تفسیر عناوین مجرمانه و تشتت در رویه قضایی محاکم نظامی می‌شود. دستاورد پژوهش، ارائه راهکارهای تفسیری و تقنینی به منظور انطباق مقررات حاکم بر جرائم نظامیان با اراده اخیر قانون‌گذار و اصول حاکم بر حقوق کیفری است.

**کلیدواژه‌ها:** محاربه، افساد فی الارض، بغی، جرائم نیروهای مسلح، سیاست کیفری تقنینی.

قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در بیش از سی و چهار ماده و بیش از شصت مورد، برای رفتارهای مجرمانه نظامیان، مجازات محاربه یا در حکم آن را پیش بینی کرده است؛ به گونه‌ای که طیف متنوعی از مصادیق جرایم امنیتی، بغی و افساد فی الارض را دربر می‌گیرد. این قانون در پی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و با اتکا به تعاریف و مفاهیم فقهی و حقوقی تدوین شده است. با این حال، تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تغییر رویکرد قانون‌گذار در تعریف و تفکیک مفهومی عناوین حدی محاربه، افساد فی الارض و بغی، تعارض‌ها و خلأهایی در تطبیق مقررات قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح با نظام کیفری جدید ایجاد کرده است.

تغییر تعریف جرم محاربه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ناشی از اختلاف برداشت‌های فقهی، تفسیری و حقوقی از آیه ۳۳ سوره «مائده» است. این تغییر موجب شده است برخی جرایمی که پیش‌تر در حکم محاربه تلقی می‌شدند، از نظر ارکان و اوصاف قانونی، قابلیت انطباق با تعریف جدید محاربه را نداشته باشند و در زمره عناوین مستقلی همچون بغی یا افساد فی الارض قرار گیرند. این وضعیت چالش اصلی تحقیق را شکل می‌دهد؛ به گونه‌ای که استمرار اجرای مقررات پیشین بدون بازنگری متناسب، می‌تواند به تعارض تقنینی، ابهام در تفسیر عناوین مجرمانه و تشتت در رویه قضایی محاکم نظامی منجر شود.

مسئله محوری پژوهش آن است که با توجه به تحولات تقنینی اخیر، شیوه تشخیص، تطبیق و صدور حکم در خصوص جرایم نظامیان «در حکم محاربه» چگونه باید باشد. پرسش اصلی تحقیق این است که کدام یک از مصادیق مندرج در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، با تعریف جدید محاربه انطباق دارد و کدام موارد در زمره بغی یا افساد فی الارض قرار می‌گیرند؟ و در مواجهه با این ابهام‌ها، وظیفه قاضی در صدور حکم و تعیین مجازات چیست؟

حدود و قلمرو بحث، محدود به بررسی تطبیقی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ است و تحلیل صرفاً فقهی یا موضوعات

خارج از حقوق کیفری نظامیان را در بر نمی‌گیرد. این تحقیق افزون بر تحلیل حقوقی و قضایی، با مقایسه مقاله «معیارهای تعمیم مجازات محاربه در افعال جنایی نیروهای مسلح» و رساله مرتبط، بر جنبه کاربردی و عملی چالش‌های رویه قضایی تمرکز دارد و ضمن واکاوی تعاریف جدید عناوین مذکور، موارد افتراق و تفاوت‌های مفهومی را استخراج می‌کند. اهمیت و ضرورت پژوهش از آنجاست که نتایج آن می‌تواند ضمن تبیین آخرین اراده قانون‌گذار، به اصلاح رویه قضایی محاکم نظامی و ارتقای عدالت کیفری در مواجهه با جرائم نظامیان کمک نماید و تا زمان بازنگری قانونی، چارچوبی عملی برای رسیدگی صحیح به این جرایم فراهم آورد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع فقهی، حقوقی و قانونی، در صدد ارائه راهکارهای عملی و قضایی برای تطبیق قوانین پیشین با تحولات قانون مجازات اسلامی است.

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱. تحولات قانون مجازات اسلامی و تأثیر آن بر جرایم در حکم محاربه

مبنای حرمت و تعریف جرم محاربه از منظر فقهی، آیه ۳۳ سوره «مائده» است. اختلاف نظر در تعریف و تفسیر مفهوم محاربه، به شکل‌گیری دو رویکرد متفاوت در قانون‌گذاری انجامیده است؛ بر اساس یک تفسیر که مبنای جرم‌انگاری محاربه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ قرار گرفته است، عنوان «افساد فی الارض» به معنای محاربه به کار رفته و گویا تفاوتی میان این دو عنوان وجود ندارد. این دیدگاه را بسیاری از فقیهان پذیرفته‌اند (طبری، ۱۴۰۶ هـ، ج ۴، ص ۱۳۵؛ آلوسی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۵، ص ۱۱۹؛ رازی، ۱۳۹۸ هـ، ج ۴، ص ۱۸۵؛ رازی، ۱۴۱۵ هـ، ج ۱۱، ص ۳۴۴؛ طیب، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۳۵۴؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۷۸ هـ، ج ۲، ص ۸۳۵؛ طبرسی، ۱۴۰۹ هـ، ص ۳۲۶؛ امامی کاشانی، ۱۳۷۰ هـ، ج ۹۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۵، ص ۳۳۳ - ۳۳۴).

بر اساس این برداشت، محاربه محدود به کشیدن سلاح به منظور ارباب مردم نیست، بلکه تحقق آن با سلاح یا بدون سلاح نیز متصور است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ هـ، ص

۱۱۳) و محاربه همان افساد فی الارض تلقی می‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲هـ، ص ۶۳۸). مطابق این تفسیر، ملاک حرمت محاربه، تحقق افساد و به خطر افتادن امنیت و آسایش عمومی است. تأثیر این دیدگاه، توسعه مفهوم و مصادیق محاربه در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و نیز قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ بوده است.

در خصوص شیوه تحقق محاربه، یک نظر بر آن است که محاربه تنها با قصد افساد فی الارض محقق می‌شود؛ بدین معنا که قصد افساد، عنصر معنوی محاربه به شمار می‌آید. بر اساس این دیدگاه، تحقق محاربه مستلزم سه شرط است: ۱. تجرید یا تجهیز سلاح؛ ۲. قصد ترساندن مردم؛ ۳. قصد ایجاد فساد در زمین (طبرسی، ۱۴۱۵هـ، ج ۳، ص ۳۲۲؛ خمینی، [بی تا]، ج ۲، ص ۶۲۲). در مقابل، نظریه دوم بر این باور است که محاربه از مصادیق افساد فی الارض است و افساد فی الارض عنوانی عام و محاربه عنوانی خاص است (ابطحی کاشانی، ۱۳۶۳هـ.ش، ص ۴۰). بر اساس این دیدگاه، سعی در افساد توجیه‌کننده پیش‌بینی مجازات‌های متعدد برای جرم محاربه است؛ به عبارتی دیگر، تحقق عنوان افساد فی الارض - بدون صدق عنوان محاربه - موجب ترتب هر یک از مجازات‌های مذکور می‌شود (مؤمن قمی، ۱۴۱۵هـ، ص ۱۰۹). مقنن در ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، میان دو عنوان محاربه و افساد فی الارض جمع کرده است؛ به گونه‌ای که محاربه یا مترادف با افساد فی الارض تلقی می‌شود یا از مصادیق آن به شمار می‌آید. همچنین جرم بغی، مندرج در ماده ۱۸۶، مساوی با محاربه ذکر شده و در ماده ۱۸۷، باغیان محارب و مفسد فی الارض معرفی شده‌اند، بدون آنکه از واژه «بغی» استفاده شود. قانون‌گذار در این مقطع، فراتر از عناوین محارب و مفسد نرفته است و وصف افساد فی الارض را ملاک تحقق جرم محاربه و موجب اعمال مجازات‌های مشابه آن قرار داده است. تحت تأثیر همین مبنا، در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، بالغ بر سی مورد از افعال مرتکب در زمره جرایم در حکم محاربه قرار گرفته است.

در مقابل، مبنای تفسیری دیگری که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است، محاربه را مفهومی متمایز از افساد فی الارض می‌داند (حلی، ۱۴۰۵هـ، ج

۴، ص ۱۸۰). روایات متعددی نیز مؤید این تمایز هستند (عاملی، ۱۴۰۳هـ، ج ۱۸، ص ۵۳۷). بر این اساس، مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، موارد افساد فی الارض را مستقل احصا کرده و برای بغی نیز مرزبندی مشخصی جدا از افساد فی الارض ارائه داده است. مطابق این برداشت، محاربه تنها با وجود سلاح تحقق می‌یابد؛ در حالی که در افساد فی الارض، به‌کارگیری هر وسیله‌ای که موجب اخلاص در امنیت جامعه شود، کفایت می‌کند. روایاتی که مجازات مفسد را بدون تجرید سلاح مقرر کرده‌اند، مؤید این دیدگاه‌اند (آشتیانی، ۱۴۰۱هـ.ش، ص ۹۱).

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ضمن ماده ۲۷۹، تعریف محاربه به همان معنای خاص برگرفته از روایات اختصاص یافته و برای افساد فی الارض و بغی، تعاریف مستقل ارائه شده است. همچنین جرم افساد فی الارض جداگانه در ماده ۲۸۶، با احصای هشت مصداق جرم‌انگاری شده است. در این چارچوب، محاربه اصولاً با بغی متفاوت است، هرچند برخی فقیهان قیام مسلحانه علیه حکومت را محاربه به معنای حقیقی و حتی تنها معنای آن دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷هـ، ص ۳۳۵؛ نجفی، ۱۴۰۰هـ: ج ۲۱، ص ۳۲۲ - ۳۲۴؛ شهید ثانی، ۱۳۶۷هـ.ش، ج ۱، ص ۳۲۳).

## ۲-۱. جرایم در حکم محاربه در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

نکته قابل توجه آن است که تفاوت دو مبنای تفسیری یادشده، صرفاً اختلافی فقهی یا نظری نیست، بلکه آثار عملی مهمی در قلمرو جرم‌انگاری، تعیین مجازات و تضمین حقوق متهمان بر جای گذاشته است. رویکرد نخست که محاربه و افساد فی الارض را مترادف یا در حکم یکدیگر می‌داند، به توسعه دایره جرم‌انگاری و گسترش مصادیق محاربه می‌انجامد و امکان تسری مجازات‌های حدی به رفتارهایی را فراهم می‌آورد که لزوماً واجد تمام عناصر محاربه به معنای خاص فقهی نیستند. این امر به‌ویژه در حوزه جرایم نظامی، موجب افزایش عناوین کیفری شدید و محدود شدن اختیار قاضی در تعیین مجازات متناسب شده است.

در مقابل، رویکرد دوم که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تقویت شده است، با تفکیک میان محاربه، افساد فی الارض و بغی، در جهت شفاف سازی عناوین کیفری و تحدید قلمرو مجازات های حدی گام برداشته است. این رویکرد ضمن انطباق بیشتر با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، امکان تفکیک دقیق تر میان جرایم علیه امنیت عمومی و سایر رفتارهای مجرمانه را فراهم می کند. با این حال، بازنگری نشدن متناسب در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، موجب باقی ماندن تعارض تقنینی میان این قانون و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شده است.

همان گونه که بیان شد، مبانی مختلف اتخاذ شده در تفسیر آیه و تنظیم قانون بر اساس این تفاسیر دوگانه، تأثیر مستقیمی بر قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح داشته است. این رویکرد موجب توسعه گسترده جرم انگاری در حوزه محاربه شده است؛ به گونه ای که در قانون اخیر، ۳۴ ماده به جرایم در حکم محاربه اختصاص یافته است و عمل مرتکب در بیش از ۶۰ مورد و مصداق، در حکم محارب تلقی شده است.

### ۳-۱. نقد سیاست جنایی تقنینی در جرایم نظامی در حکم محاربه

بررسی مواد قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در حوزه جرایم در حکم محاربه، در مقایسه با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نشان دهنده وجود اشکالات تقنینی، ابهامات مفهومی و تعارض های جدی با مبانی فقهی و اصول حقوق کیفری است. این اشکالات را می توان در چند محور اساسی تحلیل و ارزیابی کرد:

#### ۱. خلط میان مجازات های حدی و تعزیری

یکی از مهم ترین ایرادات سیاست تقنینی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، خلط آشکار میان مجازات های حدی و تعزیری است. قانون گذار در موارد متعددی برای جرایمی با ماهیت تعزیری، مجازات محارب را پیش بینی کرده است؛ در حالی که رأی وحدت رویه شماره ۸۵۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز بر تعزیری بودن

این جرایم دلالت دارد. این رویکرد با قاعده فقهی «التعزیر دون الحد» که اقتضا می‌کند تعزیر از حیث شدت و ماهیت فروتر از حد باشد، تعارض دارد؛ به‌ویژه آنکه ارجاع به مجازات محاربه، امکان صدور حکم اعدام یا حبس ابد را فراهم می‌کند که ذاتاً حدی محسوب می‌شوند (محقق داماد، ۱۳۸۵ هـ.ش، ص ۲۱۸؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵ هـ.ش، ص ۶۸).

## ۲. توسعه ناموجه مفهوم محاربه

مرتکب در موادی مانند ۱۷ و ۲۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، محارب تلقی شده است؛ در حالی که رفتارهای موضوع این مواد از حیث ماهوی به مفهوم بغی نزدیک‌تر است. در این مواد، ارکان محاربه به معنای خاص فقهی به‌ویژه تجرید سلاح به قصد ارباب عمومی، تصریح نشده و صرف تحقق افساد فی الارض، موجب اطلاق عنوان محاربه شده است. این امر با زتاب همان مبنای تقنینی پیش از سال ۱۳۹۲ است که میان محاربه و بغی تفکیک روشنی قائل نبود. گسترش مصادیق محاربه به بیش از ۶۰ مورد بدون الزام به احراز عناصر اساسی جرم (تجرید سلاح به قصد ارباب و قصد افساد گسترده)، با مبانی فقهی محاربه به معنای خاص و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سازگار نیست (آشتیانی، ۱۴۰۱ هـ.ش؛ طوسی، ۱۴۰۷ هـ). به عبارت دیگر، بسیاری از رفتارهای موضوع مواد ۱۷، ۲۲، ۳۳ و ۳۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح فاقد ارکان محاربه هستند؛ ولی به مثابه «جرم در حکم محاربه» تلقی شده‌اند که توسعه غیرمنطقی قلمرو جرم را به همراه داشته است.

## ۳. تعارض تقنینی با ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

مقایسه ماده ۲۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح با ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعارض تقنینی آشکاری را نشان می‌دهد. در حالی که قانون‌گذار در ماده ۲۸۷، بغی را رفتاری گروهی دانسته است، ماده ۲۲ با به‌کارگیری تعبیر «هر نظامی»، تحقق جرم را از قید اقدام جمعی خارج کرده است (مهران‌فر و قلی‌پور، ۱۳۹۹ هـ.ش، ص ۱۳۲). این تفاوت ناشی

از آن است که در زمان تصویب قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تفکیکی میان بغی و محاربه وجود نداشته است، در حالی که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این تفکیک را پذیرفته است. در نتیجه در برخی فروض، واکنش کیفری برای نظامیان خفیف تر از افراد عادی می شود؛ زیرا مجازات بغی اعدام است، حال آنکه محاربه می تواند مجازات های خفیف تری مانند نفی بلد را نیز در بر گیرد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۵ هـ.ش، ص ۶۸).

#### ۴. تسری محاربه به جرایم غیر عمدی

در ماده ۸۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تحقق محاربه منوط به حصول نتایجی چون اختلال در نظام یا شکست جبهه اسلام شده است؛ در حالی که برخی از جرایم پیشین این فصل مانند مواد ۸۳ و ۸۵، مبتنی بر سهل انگاری و خطای جزایی هستند. تسری عنوان محاربه به جرایم غیر عمدی، با ماهیت محاربه به عنوان جرمی عمدی در تعارض آشکار است (مهران فرو قلی پور، ۱۳۹۹ هـ.ش، ص ۴۴۰؛ قهرمانی، ۱۴۰۴ هـ.ش، ص ۷۸).

#### ۵. ناهماهنگی در معیار قصد و نتیجه

برخی مواد مانند ۹۳ و ۹۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح با وجود وحدت موضوع جرم، معیارهای متفاوتی برای اعمال مجازات محارب مقرر کرده اند. در ماده ۹۴، تحقق نتیجه شرط اعمال مجازات است؛ اما در ماده ۹۳ صرف قصد ارتکاب رفتار مجرمانه کافی دانسته شده است. این دوگانگی موجب خدشه به اصل شفافیت قانون و تزلزل در معیارهای مسئولیت کیفری می شود (یزدانیان، ۱۳۹۰ هـ.ش، ص ۲۴۶).

#### ۶. بی اعتباری ملاک های تحقق محاربه پس از قانون ۱۳۹۲

از مفاد قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح چنین استنباط می شود که تحقق محاربه منوط به نتایجی چون اختلال در نظام یا شکست جبهه اسلام است؛ در حالی که مطابق

ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، این نتایج دیگر از ارکان محاربه محسوب نمی‌شوند. بنابراین در بسیاری از موارد پیش‌بینی شده در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تحقق عنوان محاربه عملاً سالبه به انتفای موضوع است.

#### ۷. تعارض با قاعده نسخ و تداوم تفسیر منسوخ

مطابق ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نسخ شده است؛ با این وجود، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح همچنان بر مبنای همان قانون منسوخ تفسیر و اجرا می‌شود که این امر از حیث اصول حقوق کیفری و قاعده نسخ، محل اشکال جدی است.

#### ۸. ابهام تقنینی و تهدید حقوق متهم

در موادی مانند ۱۹، ۲۱، ۳۳، ۳۹ و ۷۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، اعمال مجازات منوط به «محارب شناخته نشدن» مرتکب شده، بدون آنکه معیارهای تحقق محاربه مشخص گردد. این کلی‌گویی با بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری مصوب ۱۳۹۸ در تعارض است و موجب غلبه تفسیر قضایی بر نص قانون و تهدید اصل تناسب جرم و مجازات می‌شود.

#### ۹. تضعیف اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و تهدید حقوق متهم

کاربرد گسترده عنوان «در حکم محاربه» به جای تعریف دقیق عناصر جرم، امکان تفاسیر موسع و گاه سلیقه‌ای را فراهم آورده است. مواد ۱۹، ۲۱، ۳۳، ۳۹ و ۷۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، بدون تعیین ملاک‌های روشن تحقق محاربه، زمینه غلبه تفسیر قضایی بر نص قانون و تهدید امنیت قضایی متهمان را ایجاد کرده‌اند (رحیمی میلانشی و دیگران، ۱۴۰۰هـ.ش، ص ۸۳). همچنین مواد ۸۷ و ۹۴، تحقق جرم محاربه را به وقوع یا قصد حصول

نتایجی مانند اخلال در نظام یا شکست جبهه اسلام مقید کرده‌اند، در حالی که بسیاری از جرایم نظامی فاقد چنین نتایجی هستند.

#### ۱۰. ناهمسانی مجازات در جرایم مشابه

در موادی مانند بند «ج» ماده ۲۴ و بند «الف» ماده ۲۱، با وجود تشابه موضوع جرم (تسلیم اسناد و اسرار نظامی)، قانون‌گذار رویکردهای متفاوتی در تعیین مجازات اتخاذ کرده است. این ناهماهنگی موجب سردرگمی قضات و نقض اصل برابری در برابر قانون می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۵ ه.ش، ص ۸۹).

#### ۱۱. فرض ناروای قصد مجرمانه

در برخی مواد از جمله ماده ۳۱، قانون‌گذار قصد مجرمانه را مفروض گرفته است؛ در حالی که فرض قصد برخلاف اصول بنیادین حقوق جزاست و امکان انتساب محاربه بدون اثبات رکن معنوی را فراهم می‌کند (رحیمی میلاشی و دیگران، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۸۳).

#### ۱۲. خروج تقنینی از مفهوم فقهی محاربه

با وجود آنکه محاربه در فقه به معنای دست‌بردن به سلاح برای ترساندن مردم است (مرعشی، ۱۳۷۷ ه.ش، ش ۱۰)، قانون‌گذار در ماده ۱۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، رفتارهای فاقد این عناصر را محاربه تلقی کرده است؛ در حالی که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این قبیل رفتارها را از شمول محاربه خارج و در زمره جرایم تعزیری علیه امنیت کشور قرار داده است.

#### ۱۳. عدم هماهنگی با تحولات تقنینی سال ۱۳۹۲

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، عناوین محاربه، افساد فی الارض و بغی تفکیک شد و هر یک تعریف مستقل یافت؛ به‌ویژه تعیین عناصر مادی و معنوی برای تحقق

محرابه. در مقابل قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح همچنان بر مبنای قانون ۱۳۷۰ باقی مانده و بسیاری از مواد آن فاقد انطباق با معیارهای جدید هستند (مرعشی، ۱۳۷۷ ه.ش؛ طوسی، ۱۴۰۷ ه.ش). این عدم هماهنگی، استمرار اعمال مقررات منسوخ را به همراه دارد و بازنگری جدی را ایجاب می‌کند.

## ۲. چالش‌ها و راهکارها

بررسی تطبیقی قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که قضات در محاکم نظامی با مجموعه‌ای از چالش‌های حقوقی و فقهی مواجه هستند. مهم‌ترین این چالش‌ها به همراه راهکارهای پیشنهادی در ادامه توضیح داده می‌شود.

### ۲-۱. چالش تورم جزایی و راهکار آن

یکی از مهم‌ترین مشکلات قضایی در نظام کیفری نظامیان، تورم جزایی است؛ یعنی گسترش غیرضروری دامنه اعمال مجرمانه و مجازات‌ها که سبب می‌شود برخی رفتارها به گونه‌ای غیرمنصفانه در زمره جرایم شدید از جمله جرایم «محرابه» یا «در حکم محرابه» قرار گیرند (آفتابی آرانی، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۷۴).

در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تفسیر موسع از جرم محرابه و قرارداددن بیش از ۶۰ مورد رفتار در این قالب، بدون توجه به عناصر اساسی جرم (تجرید سلاح و قصد افساد گسترده)، موجب شده است که بسیاری از جرایم جزئی نظامی با مجازات‌های شدید حدی یا در حکم حد مجازات شوند که با اصل تناسب جرم و مجازات تعارض دارد (محقق داماد، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۲۱۸؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵ ه.ش، ص ۶۸).

راهکار اصلی مقابله با تورم جزایی، جرم‌زدایی است. منظور محدودکردن یا خودداری از مداخله کیفری است (بارانی بیرانوند، ۱۳۹۹ ه.ش، ص ۱۵۲). جرم‌زدایی به برداشتن برچسب

وصف مجرمانه از یک عمل یا از یک رفتار نیز تعریف شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۹۰). جرم‌زدایی به معنای محدود کردن یا حذف برخورد کیفری با برخی رفتارهاست و می‌تواند به دو صورت تحقق یابد:

الف) جرم‌زدایی قانونی: توسط قانون‌گذار یا از طریق تفسیر قضایی قضات انجام می‌شود که شامل اصلاح قانون یا محدودسازی دامنه شمول عنوان مجرمانه است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۹۰).

ب) جرم‌زدایی عملی: در عمل، دستگاه قضایی برخورد با برخی رفتارها را کاهش می‌دهد، حتی بدون تغییر رسمی قانون، که به مرور باعث کاهش مجازات‌های غیرضروری می‌شود (بابایی و غلامی، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۶۲؛ بارانی بیرانوند، ۱۳۹۹ ه.ش، ص ۱۵۸).

مکمل جرم‌زدایی، کیفرزدایی است که به معنای کاهش شدت مجازات یا سلب جنبه کیفری آن بدون حذف عنوان جرم است (کلانتری، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۳۱۲). نمونه عملی این رویکرد در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشاهده می‌شود؛ جایی که برخی عناوین مجرمانه اصلاح شده و شدت مجازات کاهش یافته است و سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز به تازگی در صدد تدوین و پیشنهاد مقررات جدید و اصلاحی برآمده است.

همچنین در بند چ ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵) بر ضرورت بازنگری در مصادیق مجازات سالب حیات و کاهش عناوین مجرمانه تأکید شده است که مسیر قانونی برای کیفرزدایی و جرم‌زدایی فراهم می‌کند.

جرم‌زدایی و کیفرزدایی تنها ابزار اصلاحی نیستند، بلکه لازم است با رعایت اصول سیاست جنایی و حقوق کیفری از جمله تناسب جرم و مجازات، شفافیت قانون و امنیت حقوق متهمان اعمال شوند. اصلاحات بدون این چارچوب می‌تواند منجر به ایجاد ناهمگونی در مجازات‌ها و تفسیر موسع قضایی شود که در نهایت عدالت کیفری را مخدوش می‌کند.

اما نگرانی جدی این است که سزاکرایی و اعتقاد به سخت‌گیری بر مجرمان نظامی موجب شود در اصلاح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح تلاش برای جایگزین‌کردن مجازات اعدام به جای مجازات محاربه صورت پذیرد.

## ۲-۲. چالش فقهی و ضرورت تطبیق با مبانی شرعی

چالش دوم در محاکم نظامی، چالش فقهی است. مطابق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی تدوین و اجرا شود. با این حال مشاهدات نشان می‌دهد که احکام و مجازات‌های محاربه در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، هم با شرع و هم با مقررات موضوعه اخیر در تعارض هستند.

تسری احکام شرعی به مصادیق جدید، اگر بدون معیار و ضابطه مشخص انجام شود، نوعی تعدی از نصوص شرعی محسوب می‌شود. قانون‌گذار نمی‌تواند صرفاً بر اساس شباهت‌های سطحی بین اصل و فرع، عنوان «در حکم محاربه» را به عملی نسبت دهد، بلکه این تسری باید مبتنی بر فهم دقیق ملاک‌ها و مناط حکم شرعی باشد (فاضل‌تونی، ۱۴۱۲ هـ، ص ۲۳۷؛ تبریزی، [بی‌تا]، ص ۳۴؛ حکیم، ۱۹۷۹ م، ج ۲، ص ۳۱۶).

برای اثبات ملاک‌های یک حکم و مناط آن، استفاده از روش‌های مشروع و قطعی ضروری است؛ از جمله این روش‌ها می‌توان به قیاس اولویت (حکیم، ۱۹۷۹ م، ج ۲، ص ۳۲۵؛ مظفر، ۱۳۸۶ هـ، ص ۲۰۲) یا قیاس منصوص‌العله (نقیبی، ۱۳۸۸ هـ.ش، ج ۳؛ مظفر، ۱۳۸۶ هـ، ص ۲۰۰) اشاره کرد؛ در صورتی که روش‌های استنباط قطعی برای کشف ملاک‌ها وجود نداشته باشد، باید اعتبار حکم با دلایل قطعی دیگر مانند حجیت ظهور ادله اثبات شود (ولایی، ۱۳۸۷ هـ.ش، ص ۶۹ - ۷۳).

تسری عنوان «محاربه» در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، از چنین روش‌های مشروع و قطعی بهره نبرده است. هرچند می‌توان رفتار قانون‌گذار در سال ۱۳۸۲ را تا حدودی توجیه کرد؛ زیرا در آن زمان، قانون‌گذار مبنای افساد فی الارض را برای محاربه انتخاب کرده

و برای جرائم نظامیان با استفاده از قیاس اولویت مجازات سخت‌تری پیش‌بینی کرده بود. با این حال این توجیه امروزه با چالش جدی فقهی مواجه است؛ زیرا بسیاری از جرائم نظامیان، شباهت ماهوی با محاربه حدی ندارند و روش ارتکاب آنها نیز از جنس محاربه به معنای خاص نیست.

این چالش، اهمیت قاعده درء شک و شبهه و رعایت احتیاط در حدود شرعی را آشکار می‌کند. بنا بر آموزه‌های شرعی، حدود نباید توسعه داده شوند و باید با تخفیف و رعایت احتیاط اعمال شوند. این قاعده در ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی نیز متبلور شده است؛ اما بی‌توجهی قانون‌گذار به آن موجب شده است که برخی رفتارهای تعزیری، بدون شرایط مشخص، به مجازات حدی (محاربه) ارجاع شوند (فولادیان، ۱۴۰۴ ه.ش، ص ۱۴۸).

### نتیجه

بررسی تطبیقی قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که سیاست جنایی نظامی در حوزه جرائم «در حکم محاربه» با مجموعه‌ای از ناکارآمدی‌ها، ابهام‌ها و تعارض‌های جدی مواجه است. توسعه ناموجه قلمرو جرم، خلط میان مجازات‌های حدی و تعزیری، تسری غیرمستند عنوان محاربه به رفتارهایی که فاقد ارکان اساسی آن هستند و ناهماهنگی با تحولات تقنینی سال ۱۳۹۲، منجر به ایجاد تورم جزایی و تهدید امنیت قضایی متهمان شده است. این وضعیت هم از منظر حقوق کیفری و اصل تناسب جرم و مجازات و هم از منظر فقهی، با اصول و قواعد مشروعیت و احتیاط در حدود شرعی در تعارض است.

تحلیل فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که رویکرد قانون‌گذار در سال ۱۳۸۲ به دلیل استفاده از مبنای افساد فی الارض و قیاس اولویت، در زمان خود توجیه‌پذیر بوده است؛ اما با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که محاربه، افساد فی الارض و بغی را تفکیک و هر یک را با عناصر مادی و معنوی مشخص تعریف کرده است، بسیاری از مصادیق تعیین‌شده در

قانون نظامی فاقد مشروعیت فقهی و حقوقی شده‌اند. بنابراین استمرار اعمال این مقررات بدون بازنگری، افزون بر ایجاد تعارض تقنینی، ریسک صدور احکام ناعادلانه و تضییع حقوق متهمان را افزایش می‌دهد.

## پیشنهادها

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که برای تحقق عدالت کیفری و انطباق با اصول سیاست جنایی در حوزه جرایم نظامیان «در حکم محاربه»، اقدامات زیر ضروری است:

### ۱. تطبیق مصادیق با تعریف جدید محاربه

مصادیق مندرج در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح باید با تعریف جدید از محاربه منطبق شود و مواردی که با این تعریف ناسازگارند، به جرایم افساد فی الارض یا بغی یا عناوین تعزیری منتقل شوند. این اقدام موجب کاهش تورم جزایی و محدودسازی شمول مجازات‌های شدید حدی به رفتارهایی می‌شود که واقعاً واجد ارکان محاربه هستند.

### ۲. رعایت اصول حقوقی و فقهی توسط قضات

در موارد ابهام، قاضی باید با رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، قواعد فقهی از جمله قاعده احتیاط و قاعده درء شک به تعیین مجازات اقدام کند. این رویکرد از صدور احکام ناعادلانه جلوگیری می‌کند و موجب تقویت امنیت قضایی متهمان می‌شود. این اقدام با مفاد قاعده تفسیر مضیق قوانین، قاعده درء و مفاد ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سازگار است.

### ۳. جرم‌زدایی و کیفرزدایی

به‌کارگیری رویکردهای جرم‌زدایی (محدودسازی دامنه شمول عنوان مجرمانه) و

کیفرزدایی (کاهش شدت مجازات‌ها) ضروری است. اصلاحات قانونی باید در جهت شفاف‌سازی عناوین کیفری و محدودسازی مجازات‌های شدید اعمال شود؛ به گونه‌ای که با سیاست جنایی مبتنی بر عدالت کیفری و اصول فقهی و حقوقی همسو باشد.

#### ۴. بازنگری تقنینی و هماهنگی با قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

قلمرو «محاربه» و «در حکم محاربه» باید به رفتارهایی محدود شود که عناصر مادی و معنوی محاربه را داشته باشند و رفتارهای عمدتاً تعزیری به جای حدی در نظر گرفته شوند. معیارهای روشن برای تحقق رکن مادی و معنوی جرم تعیین شود تا تفاسیر قضایی موسع و غیرشفاف کاهش یابد. کلیه قوانین و مقررات منسوخ یا مغایر با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از جمله مبنای قدیمی قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، باید مدنظر قرار گیرد و تسری معانی قبلی عناوین به مصادیق جدید منتفی اعلام شود.

#### ۵. راهبری صدور حکم توسط قضات

جرائم نظامی که فاقد شرایط محاربه هستند، از شمول عنوان محاربه خارج و در زمره جرائم تعزیری یا افساد فی الارض و بغی قرار گیرند. جرائم غیرعمدی که پیش‌تر در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در ردیف «در حکم محاربه» قرار گرفته‌اند، با عناوین دیگر تطبیق شوند تا سوءنیت و عنصر معنوی جرم لحاظ گردد. تا زمان بازنگری قانون، قضات و بخش‌های نظارتی باید انعطاف مناسب در رویه قضایی خود نشان دهند و شدت مجازات‌ها را به نحو منطبق با سیاست جنایی اصلاح‌شده کاهش دهند.

به این ترتیب تلفیق اصلاحات تقنینی، رعایت معیارهای فقهی و کاربرد منسجم سیاست جنایی مبتنی بر عدالت کیفری، نه تنها از صدور احکام ناعادلانه جلوگیری می‌کند، بلکه امنیت قضایی، مشروعیت حقوقی محاکم نظامی و اعتماد عمومی به نظام کیفری را نیز تقویت خواهد کرد.

این شبهه ایجاد نشود که قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح خاص است و با قانون عام چه مقدم باشد یا مؤخر نمی‌شود آن را نسخ کرد یا تخصیص زد؛ زیرا کل قوانین عام و اختصاصی تابع مفاد ماده ۱۰ هستند و قوانین مساعد به حال متهم عطف به ماسبق می‌شوند و این حاکمیت شامل قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح هم می‌گردد. ضمن اینکه برابر ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون نسخ شده است؛ بنابراین اصرار بر تسری معانی قبلی عناوین مذکور به موضوعات مندرج در مواد قانون «م ج ن م» نادرست است.

### تقدیر و تشکر

از داوران محترم و سردبیر گرامی که با دقت علمی و نکات راهگشای خود زمینه ارتقای کیفیت این مقاله را فراهم آوردند، صمیمانه سپاسگزاریم.

### منابع مالی

این پژوهش بدون حمایت مالی خاصی از هیچ نهاد یا سازمانی انجام شده و تمامی هزینه‌های مرتبط با آن توسط نویسندگان تأمین گردیده است.

### مشارکت نویسندگان

کلیه مراحل پژوهش شامل طراحی مطالعه، گردآوری و تحلیل داده‌ها، نگارش و بازبینی متن، به طور مشترک توسط نویسندگان مقاله انجام شده است.

### تضاد منافع

نویسندگان پژوهش تأیید می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافع (مالی، شخصی، حرفه‌ای یا دیگر روابط) که بتواند بر نتایج یا تفسیرهای ارائه شده در این پژوهش تأثیر بگذارد، وجود ندارد.

## کتاب‌نامه

۱. قران کریم
۲. ابطحی کاشانی، سید محمد. (۱۳۶۳ ه.ش). «مفسد فی الارض». مجله نور علم. ش ۴. ص ۳۳ - ۴۴.
۳. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی. (۱۴۰۷ ه.ش). الوسيله الی نیل الفضیله. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۴. آشتیانی، منصوره. (۱۴۰۱ ه.ش). «بررسی تفسیری آیه ۳۳ سوره مائده (آیه محاربه)». پژوهشنامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده. دوره ۳. ش ۴.
۵. آفتابی آرانی، نجم‌الدین. (۱۴۰۰ ه.ش). «سیر تحولات و مبانی کیفرزایی از دیدگاه فقه و حقوق جزایی ایران». مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی. س ۴. ش ۴۵.
۶. آلوسی، شهاب‌الدین سید محمود. (۱۴۰۵ ه.ش). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۷. امامی کاشانی، محمد. (۱۳۷۰ ه.ش). «نقد و بررسی نظریات فقهی شورای نگهبان». مجله رهنمون. ش ۴ - ۵.
۸. بابایی، محمدعلی؛ و میثم غلامی. (۱۳۹۱ ه.ش). «مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزایی در قانون جدید مجازات اسلامی». پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی. دوره ۱. ش ۳.
۹. بارانی بیرانوند، امیر. (۱۳۹۹ ه.ش). «ماهیت جرم‌زایی و گستره آن در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح». قانون‌یار. دوره ۴. ش ۱۴. ص ۱۵۱ - ۱۷۲.
۱۰. تبریزی، میرزا موسی. [بی‌تا]. اوثق الوسائل فی شرح الوسائل. قم: انتشارات نجفی.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۳ ه.ش). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تحقیق: محمد الرازی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۲. حکیم، سید محمد تقی. (۱۹۷۹ م). الاصول العامه للفقہ المقارن. قم: مؤسسه آل‌البتیت.
۱۳. خمینی، سید روح‌الله. [بی‌تا]. تحریر الوسیله. ج ۲. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۴. رازی، ابوالفتح. (۱۳۹۸ ه.ش). تفسیر روض الجنان و روح الجنان. تصحیح: ابوالحسن شعرانی. تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.
۱۵. رازی، فخرالدین، محمد بن عمر. (۱۴۱۵ ه.ش). مفاتیح الغیب. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۶. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۳۶۷ ه.ش). الروضة البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۱ ه.ش). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه اعلمی.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۹ ه.ش). جوامع الجامع. تصحیح: ابوالقاسم گرچی. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۰۶ ه.ش). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۲۰. طیب، سید عبدالحسین. [بی‌تا]. اطیب البیان فی تفسیر القرآن. ج ۲. [بی‌جا]: کتاب‌فروشی اسلامی.

۲۱. فاضل تونی، عبدالله بن محمد. (۱۴۱۲ هـ). الوافیة فی اصول الفقه. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۲۲. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۲ هـ). التفصیل الشریعه - الحدود. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
۲۳. فولادیان، صابر. (۱۴۰۴ هـ.ش). «محاربه در قوانین کیفری ایران؛ جرم‌انگاری مبهم و پیامدهای آن». نشریه علمی دانشجویی فرداد. س ۲. ش ۳.
۲۴. قهرمانی، مسعود؛ و فریدون جعفری. (۱۴۰۴ هـ.ش). «چالش اثبات جرم محاربه در واکاوی فقهی حقوقی رکن مادی آن». مجله قضانامه. ش ۸.
۲۵. کلانتری، علی اکبر. (۱۳۸۲ هـ.ش). «مفهوم اعتبار و مکانیزم تنقیح مناط». مجله فقه و اصول. ش ۳۵.
۲۶. کلانتری، کیومرث؛ جعفر صادق منش؛ و رحیم رحیمی میلانشی. (۱۴۰۰ هـ.ش). «معیارهای تعمیم مجازات محاربه در افعال جنایی نیروهای مسلح». نشریه فقه. ش ۱۷.
۲۷. محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۵ هـ.ش). قواعد فقه - بخش جزایی. ج ۶. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۸. مرعشی، سیدمحمدحسن. (۱۳۷۷ هـ.ش). «محاربه و افساد فی الارض». مجله دادرسی. ش ۹.
۲۹. مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۶ هـ). اصول الفقه. ج ۲. نجف: دارالنعمان.
۳۰. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۳۷۸ هـ.ش). زبدة البیان فی براهین احکام القرآن. ج ۲. قم: مؤمنین.
۳۱. مهران‌فر، ابراهیم؛ و علیرضا قلی‌پور شهرکی. (۱۳۹۹ هـ.ش). شرح جامع و کاربردی قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲. تهران: جنگل.
۳۲. مؤمن قمی، محمد. (۱۴۱۵ هـ). کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۳. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۵ هـ.ش). جرایم علیه اموال و مالکیت. تهران: انتشارات میزان.
۳۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ و هاشم بیگی. (۱۳۸۰ هـ.ش). دانشنامه جرم‌شناسی. تهران: دانشگاه تهران.
۳۵. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۰ هـ). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. نقیبه، سیدابوالقاسم. (۱۳۸۸ هـ.ش). «قیاس مستنبط العله در فقه امامیه و حقوق ایران». مجله آموزه‌های فقه مدنی. ش ۳.
۳۷. ولایی، عیسی. (۱۳۸۷ هـ.ش). اصول فقه ۱ و ۲. قم: دارالفکر.
۳۸. یزدانیان، محمدرضا. (۱۳۹۰ هـ.ش). قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در نظم حقوقی کنونی. تهران: میزان.